



یکی مثل ما

ضمیمه نوجوان

شماره ۴۷ ■ ۱۶ بهمن ۱۳۹۹

نوجوان
بازار



عطیه ضربایی



باتشکر از
مینوسادات
آقای نژاد

گفت‌وگو با یک نوجوان که دوست دارد کسب‌وکار خودش را راه بیندازد

تیمچه بر نامه نویسی ها

«« بای بسم...»»

علی آقای ۱۷ ساله که امروز از آذربایجان شرقی مهمون یکی مثل ما شده، از اون بچه‌هایی بوده که از دوران طفولیت سرش توی رایانه بوده و همش می‌رفته تو برنامه‌های مختلف و بهشون سرک می‌کشیده. بالاخره این سر زدن کار دستش می‌ده و توی ۱۳ سالگی به خودش می‌اد و می‌بینه که ای دل غافل! در بند رایانه و برنامه نویسی شده و خودش خبر نداره. تعداد کم و قیمت کالاهای فروشگاه‌های اینترنتی مشابه بالا بود و این علی رو مجاب کرد تا یک سایت ایجاد بکنه و این تفاوت قیمت بازار با سایت‌ها رو به عنوان فرصت ببینه و اقدام برای آماده‌سازی سایت بکنه. و بعد هم نوبت به طراحی دامنه و فروش اون می‌رسه. خلاصه به پروسه جالبی طی میشه که علی آقا کلی چیز می‌زید می‌گیره. البته ناگفته نمونه که این ایده سر کلاس تفکر و سواد رسانه به ذهن آقای دریانی رسیده و باعث شده که چندین روز درباره استارت‌آپ‌ها فکر کنه و همون فعالیت‌ها، باعث رسیدنش به این نقطه بشه.

«« یک گزارش خفن

آخیش. بالاخره به اینجا رسیدیم. همیشه دوست داشتم اولین نفری باشم که خبرای خوب رو پخش می‌کنه. پس الان گزارش به برنامه نویسی خفن رو از زبون علی آقا بشنوید: در حوزه استارت‌آپ‌های آموزشی در ایران پیشرفت خاصی رو شاهد نیستیم، پس ما تصمیم گرفتیم وارد این حوزه بشیم و یک تحولی رو ایجاد کنیم. این ایده شهر یورماه امسال به ذهن من رسید و این پیشنهاد رو با مشورت متخصصین پرورش دادیم. در مراحل کدنویسی این برنامه هستیم و تا اردیبهشت ماه کار تموم میشه و بعد از اون روانه بازار می‌کنیم و هدف اصلی این ایده تبدیل شدن به یک دستیار آموزشی برای دانش‌آموزان است و قراره در هر لحظه درباره هر موضوعی به دانش‌آموزان کمک کنه. علی و مهدی و فواد توی این برنامه گیمیفیکیشن رو هم اضافه کردن و این یعنی بازی و درس با هم.

«« اوقات فراغت؟

علی اصالتاً دریانی هستش. دریان به شهر در آذربایجان شرقیه که در حوزه فروش مواد غذایی و صنعتی مثال‌زدنی و تبدیل به یک برند مورد اعتماد در تهران هم شده. دریانی‌ها با چند ویژگی اتحاد و سخت‌کوشی و تلاش شناخته میشن و کار رو بیشتر از همه اولویت می‌دونن. علی هم مثل بقیه دریانی‌ها همیشه مشغوله و اوقات فراغت زیادی نداره ولی در اوقات فراغت محدودش مطالعه و تماشا فوتبال و گپ زدن با دوستانش در اولویته. در طول روز هم بیشتر برای علایقش وقت می‌ذاره و با کارش زندگی می‌کنه.

«« نظام آموزشی ما

علی نظر جالبی درباره نظام آموزش کشور داره که شاید حرف دل همه ما نوجوانا باشه: دانش‌آموزا امروزه به یک راهی هدایت میشن که از قبل تعیین شده و هدف تربیت کارمندان آینده است و کسی به دنبال علایقش نمیره. ما باید در نظام آموزشی یک سری کارآفرین دارای خلاقیت تربیت کنیم که برای پیشرفت کشور کارآمد باشن و قرار نیست که همه با درس خوندن موفق بشن. اصلی‌ترین دلیل پیشرفت هر کشور دانش‌آموزای خلاق اون کشور هستن و در کشور ما علایق و اهداف دانش‌آموزا از بین میره و اون‌ها رو به یک مسیر کاملاً گمراه‌کننده هدایت می‌کنه. راه‌های رسیدن به موفقیت خیلی زیاده و فقط محدود به درس نمیشه. در شرایط حال مدارس باید جوری باشن که فرد به سمت علایقش قدم برداره تا موفق بشه. نباید بذاریم رویاهای ما محدود به درس و دانشگاه قبول شدن باشه باید آموزش درست باشه تا انسان‌های موفق‌تری مانند کارآفرین‌های امروزه به وجود بیان.

«« از تو حرکت

علی و دوتا از دوستاش در جریانات دانشگاه‌ها وارد، تو مسابقه پازل دی (puzzleday) شرکت کردن و با حل به سری مسائل درباره کارآفرینی و برنامه نویسی تونستن حداقل امتیاز لازم رو به دست بیان و گواهی دانشگاه‌ها رو درو کسب کنن. در نتیجه الان خیلی راحت می‌تونن مهاجرت کنن و برای ادامه تحصیل ایران نباشن. اما اون معتقدن: باید به جای رفتن و فکر کردن به پیشرفت شخصی مون به فکر پیشرفت کشورمون باشیم و ایران رو مثل کشورهای دیگه بسازیم. اما معتقدن مهاجرت موقت برای به دست آوردن تجربه و آشنا شدن با بازارهای جهانی و تکنولوژی‌های جدید بد نیست... البته همه ما می‌دونیم که انجام دادن هر کاری ممکنه با شکست همراه باشه و قطعاً علی و گروهش از این قاعده مستثنا نیستن. مثلاً سال ۹۸ یک ایده درباره محیط زیست و پسماندها به ذهنش رسید که تمام کارهاش رو به همراه تیمی که تشکیل شده بود انجام دادن؛ از ثبت و پیدا کردن شرکت برنامه نویسی گرفته تا قرارداد بستن با یکی از اون شرکت‌های متاسفانه در میانه‌های راه یکی از اعضای گروه به دلیل مشکلاتی از همراهی با ما انصراف داد و کار منتهی شد. برای همین ناامیدی می‌تونه مانع باشه اما همیشه به کورسوی امید می‌رسه.

«« دوراهی درس و علاقه؟!»»

از میزان همراهی مادر و پدر علی می‌پرسم و جوابای خیلی قشنگی می‌گیرم. علی آقا میگه خانواده‌اش به این باور رسیدن که موفقیت فقط از راه درس نیست، برای همین کاملاً موافقن که علی در کنار درسش، به علاقه‌اش هم برسه. همیشه پشتیبانش بودن و در هر شرایطی کمکش کردن. علی میگه باید به این باور برسیم که همه از راه درس خوندن موفق نمی‌شن و دانش‌آموزایی هستن که کلی علایق مختلف دارن و فقط منتظرن تا حمایت بشن، اما درس دست و پا شون رو بسته و همون‌طور منفعل باقی موندن.

«« الگوهای کاری

علی زندگی نامه افراد موفق رو می‌خونه و این توصیه رو به هم سن و سالاش هم می‌کنه. مثلاً می‌دونه که استیو جابز گفته برنامه نویسی یاد میده که چطوری فکر کنیم. چون یاد گرفتن برنامه نویسی مثل یاد گرفتن حل مشکلات جامعه است. الان در کشورهای جهان اول برنامه نویسی تدریس میشه چون از میزان اهمیتش باخبرن و می‌دونن که در چن دسال آینده به این حرفه خیلی نیازه. از الگوهای علی در این مسیر، ایلان ماسک و آنتونی رابینز هستن چون این دوا شکست‌هاشون نمی‌ترسن و تا جایی که بتونن برای اهداف شون تلاش می‌کنن. علی هم سعی می‌کنه مثل اونا تلاش کنه تا به رویاهاش برسه.

«« ماده هشتاد یا

از قدیم به اعتقادی بوده که می‌گفتن سن تجربه میاره ولی دهه هشتادی‌ها این اعتقاد رو از بین بردن. با ورود دهه هشتادیا به بازار کار اتفاقات خوبی قراره بیفته و بقیه افراد هم باید وارد موج دهه هشتادیا بشن. علی ۱۰ سال بعد دوست داره به تحول در نظام آموزشی کشور ایجاد کرده باشه و دانش‌آموزا رو از رفتن به مدرسه منصرف کنه. شاید تعجب کنین که علی از رشته علوم تجربی مدرسه تیزهوشان انصراف داده و این خیلی اتفاق عجیبیه. ولی چون می‌خواسته بین درس و علایقش تعادل برقرار باشه؛ این انتخاب رو کرده و حالا کاملاً راضیه. علی دوست داره راه کارآفرینی رو برای دانش‌آموزا باز کنه و بتونه به مردم برای رسیدن به رویاهاشون کمک کنه و دنیا رو تبدیل به جای بهتری برای زندگی بکنه. مطمئناً با این تلاش و پشتکاری که داره، قطعاً به آرزوهاش می‌رسه و همه مون رو سربلند می‌کنه.

